

نهضت مقاومت زنان در کربلا، یکی از عوامل جاودانگی نهضت عاشورا

نرجس نصراللهی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۶

چکیده

زنان بزرگی در طول اسلام بودند که با عملکرد خود باعث حفظ و گسترش اسلام شده و سنت پیامبر(ص) را حفظ نموده اند؛ از جمله این زنان، بانوانی هستند که در جاوید ماندن حادثه کربلا نقش آفرینند و می توانند الگوی سایر زنان مسلمان باشند. قیام عاشورا و نهضت مقاومت زنان در عاشورا انقلاب عظیمی در زنده نگاهداشتن دین اسلام به همراه داشت. این بانوان با نهضت مقاومت، علم و تقوا، تربیت فرزندان مجاهد و متقی، اعتلای خانواده و حضور در صحنه کربلا در کنار همسر، فرزندان و برادرانشان سهم چشم گیری در جاوید ماندن قیام کربلا داشتند. ایشان به عنوان الگو و اسوه و راهنمای سایر زنان و دختران مسلمان در جامعه اسلامی قلمداد می شوند. حضور زنان و کودکان همراهی امام حسین(ع) که به گواهی تاریخ ایشان پاکترین زنان مسلمان بودند که در صحنه عاشورا در مصاف حق علیه باطل با تحمل مصیبت ها و رنج های بسیار، اسارت، با بیان علت قیام امام حسین(ع) شجاعانه گام برداشتند و ایستادگی نمودند.

کلید واژه ها: نهضت، مقاومت، زنان، قیام، عاشورا

^۱ . استادیار گروه معارف. واحد سپیدان. دانشگاه آزاد اسلامی. سپیدان. ایران. n.nasrollahi@iausepidan.ac.ir

مقدمه

تحول و انقلاب عظیمی که دین اسلام در جامعه به وجود آورد نه تنها در مردان مسلمان تاثیر گذاشت بلکه زنانی را تربیت نمود که الگو و اسوه برای جامعه اسلامی بودند، از جمله این زنان زنانی هستند که در جاوید ماندن حادثه کربلا نقش آفرینند و درزنده نگاهداشتن سنت نبوی (ص) و دین اسلام تلاش نمودند. این زنان از کسانی که شهید شده و پیکرهای غرقه به خون آنان که در کنار خیمه ها، از خطر حیوانات درنده حفظ می نمودند. وحشت از اسارت، تحمل اضطراب ها، تشنگی ها، گرسنگی ها، وحشت از حضور ناپاکان و زنازادگانی چون شمر بن ذی جوشن که بر جنازه ها اسب تاختند و دستور عمر بن سعد بر غارت و آتش زدن خیمه های اسراء و ربودن چادر زنان و گوشواره از گوش دخترکان و یزید مغرور از پیروزی در جنگ چوب خیزران بر لبهای امام (ع) می زد، از جمله توصیف حوادث کربلاست. آنان با بغض در گلویشان و صدای حبس شده در سینه هایشان می گریستند و در کوفه و شام با خطبه خوانی و به آشکار کردن ماهیت دشمنان دین پرداختند. این پژوهش معرفی این بانوان والا مقام و بیان الگویی برای زنان و دختران جامعه اسلامی می باشد. هر حادثه تاریخی مولود علت یا علت های پیش از آن و دست کم انگیزه سلسله حوادث بعدی است، علت ایجاد قیام عاشورا را باید در فرهنگ جاهلی، حوادث بعد از وفات پیامبر (ص) و میزان درک مردم عامه از اسلام و سنت نبوی جست و جو نمود. روش تحقیق در این پژوهش کارتحلیلی-توصیفی به روش کتابخانه ای می باشد. پیشینه تحقیق، نویسندگانی که در این زمینه کار نموده اند، کتاب انسان ۲۵۰ ساله سید علی خامنه ای، عایشه بنت شاطی بانوی کربلا دختر حضرت زهرا (س)، ترجمه و شرح های نهج البلاغه، جواد مغنیه، بانوی شجاع کربلا و واقع کربلا در تاریخ طبری، مقتل ابو مخنف، نفس المهموم عباس قمی، الهوف ابن طاووس، ارشاد شیخ مفید و ... استفاده شده است.

اهداف پژوهش

- ۱- تعیین نقش مقاومت زنان حاضر در کربلا عامل جاوید شدن قیام عاشورا
- ۲- تعیین نقش مقاومت زنان حاضر در کربلا در حفظ سنت نبوی
- ۳- آماده سازی بستر مناسب فرهنگی جهت فرهنگ سازی اسلامی در بیان جایگاه امامت
- ۵- آماده سازی بستر مناسب فرهنگی جهت فعالیت زنان در اجتماع

پرسش پژوهش

نقش زنان حاضر حادثه کربلا جهت جاوید شدن قیام عاشورا چیست؟

مفهوم مقاومت در کتب لغت

«مقاومت» در لغت و اصطلاح به معنای به پاخاستن و پایدار ماندن است. این واژه بر وزن مفاعله و به معنای با کسی با هم برخاستن یا با هم از جا بلند شدن و باکسی ضدیت کردن و نیز ایستادگی و پایداری کردن است. مقاومت، به

رویارویی در میدان جنگ محدود نیست و هر نوع مقاومت و پایداری در برابر عوامل برهم زننده تعادل و توازن را شامل می‌شود. از دیگر سو، برخلاف تصور رایج، مقاومت به معنای انفعال و انزوا و بی‌حرکی نیست، بلکه مقاومت در ذات خود به پویایی، تحرک و اقدام رو به جلو مشهود است؛ مقاومت به مثابه تعریفی گفتمانی، مجموعه‌ای از نشانه‌هاست که در یک فرآیند، نظام معنایی خاصی و مکتبی را شکل می‌دهد. (دهخدا، ۱۳۷۳، لغت نامه)

علت و انگیزه شکل قیام کربلا

یکی از دلایل شکل‌گیری قیام کربلا؛ جاهلیت فکری مردمان آن زمان است جاهلیت از مفاهیم مصطلح در اسلام است که به حالت فکری مردم عرب پیش از ظهور اسلام داده شده‌است. فاصله زمانی عصر جاهلیت ۱۵۰ تا ۲۰۰ سال قبل از بعثت و محدوده مکانی آن را شبه جزیره عربستان دانسته‌اند. (جوادی علی، ۱۹۶۸، المفصل، ۶، ص ۳۹) اعمال ناپه‌نجان، لجاجت در برابر حق، حمیت و تعصب بی‌جا و شیطانی، خود پسندی و غرور ترک اندیشه دین فهمی، به کار نبردن گوهر خرد در خدانشناسی، پیروی از پیشوایان ستمگر، حکمرانی براساس تعصب جاهلی، بردگی و برده داری، تن دادن به ظلم، بی‌بند و باری و بی‌حجابی زنان، خشونت، قتل و غارت‌گری، تقلید کورکورانه از نیاکان و تعصب جاهلی، ربا خواری، قمار بازی، مشروب خواری، میمون بازی، خوردن مردار، گوشت خوک، خون، نیم خورده حیوانات درنده تغییر ماه‌ها حرام، فخر فروشی، پدیدار شدن فرزندان بی‌هویت، به زنجیر کشیدن اندیشه‌ها، ورشکستی افکار دینی و... صدها نمونه دیگری از مشخصات عصر جاهلی است. و فرزند کشی که به کشتن دختران اختصاص نداشت، از دیگر رذایل اخلاق اجتماعی جامعه عرب بود. (نصراللهی، نرجس، ۱۳۹۸، نقش ادبیات قرآن در فرهنگ سازی روابط زن و مرد) در چنین جامعه‌ای بنا بر سنت الهی این سنت با ظهور پیامبر اسلام تغییر یافت. ... فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّةَ الْأُولَيْنَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا (الفاطر، ۴۳)

ظهور پیامبر (ص) بیان عدالت و مساوات میان تمام مردم، تحمل ناپذیری روسای قبایل از عملکرد پیامبر (ص) آزار و اذیت و به شهادت رساندن مسلمانان، تبعید به شعب ابیطالب، هجرت به حبشه، سوء قصد به جان پیامبر (ص) اطلاع پیامبر (ص) از طریق وحی و هجرت به مدینه، تشکیل حکومت اسلامی در مدینه و... از نتایج ظهور اسلام در عربستان بود. اسلام آوردن سران مشرکان قریش از جمله ابوسفیان از حوادث تاریخ اسلام است. این گروه بعدها طلقاء نام گرفتند. طلقاء به معنای آزادشدگان، اشاره به صرف نظر نمودن پیامبر (ص) از مجازات آنان می‌باشد. ابوسفیان و فرزندش معاویه از برجسته‌ترین طلقاء به شمار می‌رفته‌اند. امام علی (ع) در جنگ صفین، طلقاء را کسانی معرفی کرد که همواره با اسلام دشمنی کرده و از روی اکراه ایمان آورده‌اند. حضرت زینب (س)، هنگامی که در اسارت یزید بن معاویه بود، در خطبه‌ای یزید را فرزند طلقاء خواند. (طبرسی، ۱۴۰۳ق، الإحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۸) دلیل این که چرا پیامبر (ص)، ابوسفیان و معاویه یا افرادی دیگر را که از سرسخت‌ترین دشمنان اسلام بودند به قتل نرساند، به دلیل امان و پناهی بود که عباس، عموی پیامبر به او داده بود. ابن اثیر می‌نویسد: «عباس عموی پیغمبر که برای استقبال از حضرت به خارج از شهر آمده بود، می‌گوید: که من ناگاه صدای ابوسفیان و حکیم بن حزام و بدیل بن ورقاء خزاعی را شنیدم که برای

تجسس اخبار بیرون آمده بودند. ابوسفیان گفت: «... اکنون چه کنم؟ گفتم: با من سوار شو. برای تو از پیغمبر (ص) امان می‌گیرم. ... سپس عمر خطاب نزد پیغمبر (ص) دوید تا اجازه کشتن ابوسفیان را بگیرد. من هم تاختم و زودتر رسیدم. گفتم: ای رسول خدا! من به او پناه دادم. حضرت فرمود: برو ما به وی امان دادیم. عباس می‌گوید: که من به او گفتم: وای بر تو! پیش از اینکه گردنت زده شود شهادت را بگو. او شهادتین را به زبان آورد و مسلمان شد.» (ابن اثیر، عزالدین، بی تا، الکامل، ج ۷، ص ۲۸۹) بعد از وفات پیامبر (ص)، ماجرای سقیفه و انتخاب ابوبکر به عنوان جانشین پیامبر (ص) شکل گرفت، کهولت سن، آرامش، متانت، مدیریت، کاردانی و هدف داری ابو بکر زمینه تثبیت موقعیت وی در سقیفه بود. مشکلات حکومت ابوبکر یکی نپرداختن زکات به دلیل مشروع ندانستن خلافت و دیگری ارتداد و بازگشت از دین بود. ابوبکر دو سال و چند ماه خلافت نمود و در هنگام وفاتش بنا به وصیت او عمر جانشین گشت. (یعقوبی، ۱۳۵۸ق، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۱۵۰) بنا به شورای شش نفری عمر، عثمان به عنوان خلیفه سوم انتخاب گردید. بنا به وصیت ابوسفیان، خلافت را مانند توپ به یکدیگر به ارث بسپارید. (طبری، ۱۹۶۷م، تاریخ الطبری، ج ۱۰، ص ۵۸) در زمان عثمان، باز گرداندن گروه نفرین شدگان پیامبر (ص) به مدینه، قرار دادن خویشاوندان و بنی امیه در مناصب کلیدی، سوء استفاده از بیت المال، برافروخته شدن خشم عمومی عامل قتل عثمان گشت. (بلاذری، ۱۴۱۷ق، انساب الاشراف، ج ۴، ص ۵۱۸) پس از کشته شدن عثمان مردم با اشتیاق تمام به علی (ع) روی آوردند تا سنت نبوی اجرا گردد. آن حضرت ناچار بود معاویه را از شام عزل کند، زیرا وی با اهداف و خط مشی حضرت علی (ع) همسو نبود. علی (ع) طی نامه ای خواستار بیعت معاویه شد: «تو از آزادشدگانی که شایستگی خلافت و امامت ندارند و طرف مشورت هم قرار نمی‌گیرند.» (زبیر بن بکار، ۱۴۱۶ق، الاخبار الموفقیات، ص ۵۶۷) معاویه پس از آگاهی از نامه علی (ع) و مشورت با عمروعاص به بزرگان قبایل کوفه قبولاند که علی (ع) عثمان را کشته است و اعلان جنگ داد. با خدعه و نیرنگ عمروعاص و وجود قاریان عبادت پیشه و ساده لوح و اعراب با تفکر جاهلیت در لشکر علی (ع) کار به حکمیت کشیده شد. حکم مورد نظر حضرت علی (ع)، عبدالله بن عباس و یا مالک اشتر بودند. اما اشعث بن قیس از بزرگان کوفه و هوادارانش، حکمیت ابوموسی اشعری را پذیرفتند. طولانی شدن پیکار صفین، کشته های بسیار، خیانت اشراف کوفه، ساده اندیشی قاریان کوفه، فریبکاری معاویه، قرآن بر سر نیزه کردن، توافق اشعث و معاویه، شهادت یاران خاص علی (ع) سبب واگذار شدن حکومت به معاویه و عزل علی (ع) شد. (ابن اعثم، ۱۱۱۴ق، کتاب الفتح، ص ۱۶۳-۱۶۵) در سال ۳۵ هجری در خلال جنگ‌های داخلی تعدادی از خوارج تصمیم به قتل علی (ع)، معاویه و عمروعاص به صورت هم‌زمان گرفتند، تا به عقیده خود امت اسلام را از دست این سه تن که به قول خود مرتد شده بودند، خلاص کنند. اما تنها ابن ملجم موفق به شهادت امام علی (ع) شد. (مجلسی، بی تا، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۵) پس از شهادت امام علی (ع)، مردم با حضرت امام حسن (ع) بیعت نمودند. هنوز پنجاه روز از خلافت ایشان نگذشته بود که معاویه به ایجاد توطئه علیه امام حسن (ع) پرداخت. (شیخ مفید، ۱۴۱۳، الارشاد، ج ۲، ص ۱۰) معاویه با فریب جعده دختر اشعث بن قیس، همسر امام حسن (ع)، وعده همسری وی با پسرش یزید و پرداخت مبلغ صد هزار درهم امام حسن (ع) را به شهادت رساند. (اربلی، بی تا، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ص ۱۶۳)

زمینه نهضت امام حسین (ع)

زیر بنای نظام اموی مبتنی برعصبیت موروثی عربی و انحراف از دستورها و معارف قرآن و عدول از سنت نبوی بود. امویان به غضب میراث و امامت الهی خاندان پیامبر (ص) پرداخته، سرنوشت امت اسلامی به دست افرادی ناشایست افتاد و انحرافها در جامعه اسلامی گسترش یافت. حکومت اموی سبب گسترش تبعیض، ظلم و جور و بی عدالتی در جامعه اسلامی گردید. معاویه خود را مجاز به هرگونه دخل و تصرف در اموال مردم می دانست و فرمان قتل و یا قطع عضو شیعیان را صادر می کرد. در صلحنامه امام حسن (ع) آمده بود که معاویه پس از مرگ، حق ندارد برای پس از خود جانشین تعیین کند. (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱ق، الفتوح، ج ۴، ص ۲۹۱) معاویه در سالهای پایانی عمرش، تلاش کرد برای یزید بیعت بگیرد. در تاریخ یعقوبی نامه یزید به ولید بن عتبه به این مضمون است: «زمان حکومت یزید ... نامه ای برای ولید بن عتبه بن ابی سفیان، فرماندار مدینه، نوشت: هر گاه نامه ام به دست تو رسید، حسین بن علی و عبد الله بن زبیر را فرا بخوان و برایم از آنها بیعت بگیر و اگر سر باز زدند، گردنشان را بزن و سرشان را برایم بفرست» (یعقوبی، ۱۳۵۸ق، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۴۱) به گواه تاریخ کسانی که به پیامبر (ص) ایمان آوردند اما این جامعه فرزند پیامبر (ص) را به قتل می رسانند از کشتن او شادی می کنند، جایزه می گیرند. با افتخار می گویند: «ما بچه کسانی بودیم که فرزند پیامبر را به قتل رسانیم، و بر پیکر او اسب تاختیم» باید دید چه عاملی باعث شد که جامعه قبحش بریزد؟ نه تنها در زمان امام حسین (ع) حتی در جامعه مدرن امروز هم نمونه های آن را می بینیم. آنان به دلیل نداشتن علم کافی و پایبند نبودن به دستورات دینی، گرفتار برخی اعتقادات و همچنین انجام دادن برخی کارهایی می شدند که تابعدیت همانند لکه ننگی بر پیشانی شان نقش بسته است. جاهلیت رفتاری که بر پایه جهل باشد، پس تا انسان وجود دارد رفتار جاهلی هم وجود دارد. اما اینکه دوره ای از زمان، زندگی مردم آن دوره را با صفت جاهلیت معرفی می کنند، به این برمی گردد که رفتار جاهلی مانند یک بیماری، در بین مردم شیوع می یابد و هیچ درمانگری نمی تواند آن را کنترل و چاره کند در نتیجه رفتارهای جاهلی تا آنجا پیش می رود که پایه اصلی زندگی آنها، جهالت می شود. جاهلیت ماهیت مشترکی دارند عمده ترین ویژگی مشترک جاهلیت ها این است انسانها در هر دو جاهلیت ایمان واقعی به خداوند ندارند و زندگی انسانها بر پایه ی احکام الهی برپا نمی گردد، بلکه هوی و هوس است که اساس زندگی هارا تشکیل می دهد. پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید: «بعثت بین جاهلیتین الآخرهما شرمن أولهما» من بین دو جاهلیت که دومین آن سخت تر از اولی است، برانگیخته شده ام. برخی دیگر نیز جاهلیت اولی را جاهلیت کفر قبل از اسلام و جاهلیت آخری را جاهلیت فسق در اسلام عنوان نموده اند. (شیخ طوسی، امالی، حدیث ۲۰۹۴) امروزه ما شاهد جاهلیت نوع دوم و ادبیات جاهلی در فرهنگ مردم جهان می باشیم.

قیام عاشورا

امام حسین (ع) در حالی که برای زیارت خانه خدا به حج رفته بود، در منا خطبه خواند و علیه حکومت معاویه افشاگری کرد. در شامگاه ۲۸ رجب سال ۶۰ ه ق با بهره گرفتن از پوشش شب به همراه فرزندان، برادران، برادرزادگان و تمامی خاندانش جز محمد بن حنفیه، بعد از دریافت نامه کوفیان از مدینه هجرت را آغاز نمودند. (ابن اعثم

کوفی، ۱۴۱۱ق، الفتوح) امام نماینده خود مسلم بن عقیل را به سوی کوفیان فرستاد تا صدق دعوی آنان آگاه گردد. در نهایت لشکریان ابن زیاد به فرماندهی عمر سعد در کربلا به جنگ با امام(ع) رفتند و در روز دهم محرم سال ۶۲ق امام حسین(ع) و یارانش را شهید کردند و اهل بیت امام را به اسارت گرفتند. نهضت زنانی که در جاوید ماندن قیام عاشورا دخالت داشتند به چهار گروه می توان تقسیم نمود:

الف- زنانی که در مسیر حرکت کاروان امام حسین(ع) به این نهضت کمک نمودند یا عامل حفظ نهضت شدند:

۱- زنی به نام طوعه

طوعه نخستین زن عاشورایی است که حامی مسلم بن عقیل مسلم بن عقیل گشت. او را به خانه برد و مخفی نمود. عیدالله بن زیاد برای سر مسلم جایزه تعیین نمود. پسر طوعه مخفی شدن مسلم به آنان گزارش داد. مسلم که در ماه ذی حجه سال شصتم هجری به سمت کوفه خارج شده بود و در روز هشتم ذی حجه مصادف با روز عرفه در دارالاماره کوفه به شهادت رسید. (شیخ مفید، ق ۱۴۱۳، الارشاد، ج ۲، ص ۱۰)

۲- همسر عبدالله بن قُطبه طایی که دو فرزندان مسلم را پناه داد

دو پسر کوچک مسلم، به نام محمد و ابراهیم از لشکر عیدالله بن زیاد فرار کرده بودند. آنها بعد از مدتی پیاده روی به خانه زنی که شوهر او عبدالله بن قطبه طایی نبهانی، بود پناه بردند. (ابن بابویه، محمد ابن علی، ۱۳۷۶ش، امالی، ص ۸۳) داماد وی دو کودک را پیدا نمود؛ از غلام سیاه خود فلیح خواست تا سر دو کودک را جدا کند و جسد آنان را در فرات افکند.

ب- زنان هاشمی حاضر در کربلا

۱- حضرت زینب (س)

«حضرت زینب کبری(س) بزرگ زن تاریخ و خارق العاده است. با پوشش یک زن مسلمان، در کنار حجاب و عفاف چنان ضربه مهلکی به کفر زد که باعث جاوید ماندن قیام عاشورا گشت. نقش او در قیام عاشورا یک نقش مبنایی و زیر بنایی بود. او با عواطف جوشان زنانه و احساسات لطیف یک زن... فردای عاشورا زینب(س) کاملاً تغییر می کند، نقش حضرت زینب(س) بسیار بسیار مهم است گفتارش بسیار کوبنده است. با صلابت و قدرت و شجاعت و مقاومت در مصائب کربلا ظاهر شد. ایشان در مجلس یزید چنان خطبه خواند که پیروزی یزید را به شکست تبدیل کرد و همه حقارت یزید را نظاره نمودند. زیر بار مصائب کربلا ایستادگی نمود و کاروان اسراء را مدیریت کرد. در برابر بی عدالتی یزید ساکت نماند، او چنان خطبه غرائی در مجلس یزید خواند که در طول تاریخ جاودانه ماند.» (خامنه ایی، سید علی، ۱۳۹۸ انسان ۲۵۰ ساله) زینب (س) پنج سال اول زندگی خود از تابش نور وجود پیامبر(ص) بهره گرفت. از القاب آن حضرت عقیله بنی هاشم است. بعد وفات پیامبر(ص) زینب در تمامی دوران خلافت ابوبکر در کنار مادر خود بود و صحنه های مصیبت بار رحلت پیامبر خدا(ص) و اندوه بیکران حضرت زهرا(س) و ظلم و جنایت دشمنان در حق اهل بیت

پیامبر(ص) را نظاره می کرد. عبدالله بن جعفر بن ابی طالب، فرزند جعفر بن ابی طالب، از صحابه پیامبر و همسر حضرت زینب(س) بود. عبدالله در واقعه کربلا حضور نداشت، عبدالله بن جعفر به فرزندانش، عون و محمد، توصیه کرد ملازم رکاب حضرت امام حسین(ع) بوده و در برابر دشمنان جهاد نمایند. (الارشاد، همان) در زیارت رجبیه زیارت ناحیه مقدسه از وی چنین یاد شده است: «السَّلامُ عَلٰی مُحَمَّدَ بنِ عَبْدِاللهِ بنِ جَعْفَرِ»

یزیدیان به خیمه های امام حسین (ع) ریختند و به غارت و سوزاندن خیمه ها مشغول شدند. شمر ذی جوشن قصد قتل حضرت علی بن الحسین(ع) که بیمار و مریض بود کرد. در این وقت زینب(س) از خیمه بیرون آمد و فرمود: «به خدا سوگند نمی گذارم او را بکشید تا من هم کشته شوم، شمر که چنان دید از کشتن آن حضرت صرف نظر کرد. (الارشاد، همان) هنگامی که حضرت علی بن الحسین(ع) را به همراه زنان از کربلا به کوفه آوردند، زنان اهل کوفه با دیدن آنها به شدت می گریستند و گریان ها چاک زده و مردان آنها نیز گریه می کردند، زین العابدین(ع) که بیمار بود، با همان حال بیماری با آوای ضعیف و آهسته فرمود: «ان هولاء یبکون فمنا قتلنا غیرهم، اینان بر ما می گریند پس چه کسی جز اینها مارا کشت؟» (رسولی محلاتی، ۱۳۷۸، نگاه کوتاه به زندگی زینب کبری) در مجلس آل زیاد، حضرت زینب(س) خطبه غرابی خواندند: «به راستی که توشه ای که بر خود پیش فرستادید که خشم خدا بر شما ست و در عذاب جاویدان هستید آیا می گرید؟ اری بگرید که به خدا سوگند شایسته گریستن هستید بسیار بگرید و اندک بخندید که ننگ آن شما را فرا گرفت و هرگز لکه ننگ را از دامان خود نتوانید شست! چگونه ننگ گشتن فرزند خاتم پیامبران و معدن رسالت و آقای جوانان بهشت را پاک خواهید کرد! مثال شما مانند زنی است هر چه که رشته است پنبه می کند شما ایمان خودتان را بازیچه فساد قرار داده اید بدانید که شما بار شومی را به دوش کشیدید.»

حضرت زینب (س) در مجلس عبیدالله خود را در میان زنان مخفی کرد و صورت خود را با آستین پوشانید چون مقنعه را از او گرفته بودند. عبیدالله ابن زیاد در مجلسش از زینب (س) پرسید که شما کیستید؟ و این سوال را سه بار پرسید؟ اما حضرت زینب(س) جوابی ندادند، کنیزی در آن جا بیان کرد که ایشان دختر حضرت زهرا (س) هستند، ابن زیاد از رفتار حضرت(س) بسیار عصبانی شد و خدا را شکر نمود که آنها را کشته است و رسوا کرده است. سپاس خدایی را که شمارا رسوا کرده و کشت و افسانه شمارا دروغ شمرد. (محمد باقر کوه مره ای، در کربلا چه گذشت، ص ۷۸)

اگر زینب (س) نبود وظیفه سنگین خود را انجام نمی داد زمام امر را بر مراحل اسارت خانواده پیغمبر(ص) در دست نمی گرفت و نهضت مقاومت را به سر انجام نمی رساند این نتیجه مطلوب از قیام عاشورا به دست نمی آمد. خاندان پیغمبر(ص) را سه روز در خارج از شهر شام نگه داشتند تا شهر را چراغانی و زینت کنند. در این سه روز به نحو بی سابقه شام را تزیین کردند و سپس گروه بسیاری حدود پانصد هزار نفر از زن و مرد برای تماشا به استقبال کاروان اسیران و دف زنان و رقص کنان و پای کوبان حرکت کردند. آن روز چهارشنبه شانزدهم ربیع الاول بود و در بیرون شهر نیز جمعیت به قدری زیاد بودند که همانند روز محشر در میان یکدیگر موج می زدند و برای یزید بن معاویه سرا پرده وسیع و تختی نصب کرده بودند و کرسیها زرین و سیمین در اطراف آن نهاده بودند. « شیخ مفید، ق ۱۴۱۳، الارشاد، ج ۲، ص ۱۰۰) بر طبق

نظر سید طاووس دستور داد: چوب خیزران برایش آوردند و با چوب دستی بر دندانهای پیشین سر مقدس امام حسین (ع) می کوبید. کاروان اسیران کربلا پس از حضور در کوفه و دربار ابن زیاد، به شام، محل استقرار یزید منتقل شدند. وقتی بزرگان و سران اهل شام که یزید به مناسبت پیروزی خود، دعوت کرده بود، حاضر شدند، اسراء و سرهای شهدای کربلا را نیز به مجلس آوردند. (جعفری، تشیع در مسیر تاریخ، ص ۸۰) حضرت زینب در مجلس یزید فرمود: «ای یزید، آیا گمان برده‌ای حال که جای جای زمین و آفاق آسمان را بر ما گرفتی و بستی و ما چونان کنیزان رانده شدیم، مایه خواری ما و موجب کرامت توست!!... چگونه امید می رود از فرزند کسی که جگرهای پاکان را به دهان گرفته و گوشت وی از خون شهداء پرورش یافته است؟! و چسان در عداوت ما اهل البیت کندی ورزد آن که نظرش به ما نظر دشمنی و کینه توزی است؟! آن گاه بدون احساس چنین گناه بزرگی بگویی: (اجداد تو) برخیزند و پایکوبی کنند و به تو بگویند: ای یزید دست مریزاد، در حالی که با تازیانه و عصایت بر دندانهای پیشین ابی عبد الله (ع) بزنی. (ای یزید) همین قدر تو را بس است که خدای داور، و محمد (ص) دشمنت و صاحب خون، و جبرئیل پشت و پشتوان باشد، و زودا بداند آن کس که فریبت داد و تو را بر گرده مسلمانان رسوا گردد.»

در اینجا امام سجاد (ع) فرمودند: «یا عمه اسکتی فانت بحمد الله عالمه غیر معلمه و فهمه غیر مفهمه «عمه جان تو معلمی و درس این علم رانخوانده و برای یاد گرفتن آموزگاری ندیده بلکه بهره ایی الهی و کمال ذاتی دارا هستی». بسیاری از بزرگان این جمله را دلیل بر علم ذاتی حضرت زینب (س) و مقام عصمت ایشان می دانند. ایشان نهضت مقاومت حسینی به راه انداخته بود و از افشای حکومت اموی و هدف قیام حسینی ساکت نماند. سرانجام آن بانوی بزرگوار در سن ۵۷ سالگی چشم از جهان فرو بست. در مورد محل دفن ایشان اقوالی متفاوتی است: ۱- قبر حضرت در محلی به نام «راویه» در یک فرسخی دمشق می باشد، که الان به نام زینبیه معروف است. این قول ارجحیت دارد. ۲- حضرت زینب (س) در قاهره، پایتخت مصر، مدفون است. ۳- حضرت زینب (س) در قبرستان بقیع در مدینه مدفون است.

۲- ام کلثوم یا زینب صغری بنت علی (ع)

دختر کوچک امام علی (ع) و فاطمه زهرا (س) با نام زینب صغری و کنیه ام کلثوم از حاضران در عرصه کربلا و از شاهدان این واقعه تلخ به شمار می رود، وی طبق نظر مورخان در عصر عاشورا حضور داشت. نقل شده است: «در عاشورا و به هنگام وداع با برادر ارجمندشان ام کلثوم، صدا به شیون و زاری بلند کرده بود.» امام حسین (ع) او را تسلی دادند و فرمودند: «خواهرم در راه خدا صبر پیشه کن ساکنان آسمان همه فانی می شوند و اهل زمین همه می میرند و همه ی انسانها هلاک می شوند» (یزدان پناه، زنان عاشورایی، ص ۳۴) سخنرانی ام کلثوم در کوفه و افشاگری ماهیت یزیدیان، عامل حفظ نهضت مقاومت زنان کربلا بود: «ای مردم کوفه، بدا به حالتان چه کردید؟ به حسین (ع) خیانت کردید و او را تنها گذاشتید و آنگاه او را کشتید و اموالش را به غارت بردید و زنانش را به اسیری گرفتید؟ مرگ بر شما، آیا می دانید چه کردید و چه گناه بزرگی را مرتکب شده اید؟ هیچ می دانید که چه خونهایی را ریختید و چه زنان شریفی را داغدار و چه اموالی را به یغما بردید و لباس چه دختران و زنانی را به تاراج بردید؟ مهر و محبت از دلهایتان برداشته شده

است؟ شما بهترین مردان بعد از پیامبر(ص) را کشتید، با این حال حزب خدا پیروز است و حزب شیطان شکست خورده و زیان کار است. برادرم را کشتید پس وای بر مادرانتان که به زودی دچار آتشی خواهید شد. خونهایی را ریختید که خدا، قرآن و محمد(ص) آن را محترم شمرده و حرام کرده بودند. من همه عمرم در سوگ جانسوز برادرم و ستمی که بر او رفته است می‌گیرم». (سید بن طاوس، ۱۳۷۸، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۹۱)

۳- فاطمه بنت حسین(ع)

فاطمه بزرگ‌ترین دختر امام حسین بن علی(ع) می‌باشد. (طبری، ۱۹۶۷، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۶۶۴) مادر ایشان ام‌اسحاق است. وی به جمال زیبا و کمال تقوی و بلوغ فضائل و محاسن اخلاق نظیری نداشت و از کمال حسن او را «حور العین» می‌گفتند. (محللاتی، ذبیح الله، ۱۳۹۶، ریاحین الشریعه، ج ۳ ص ۲۸۱ و ۲۸۲) بنابر حدیثی از امام باقر(ع)، امام حسین(ع) قبل از شهادت، ودایع امامت و وصایای مکتوب خود را به فاطمه سپرد و او بعدا آنها را به امام سجاد(ع) تحویل داد. فاطمه و حسن مثنی پیش از واقعه کربلا ازدواج کردند. (کلینی، ۱۴۰۷، الکافی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۰۱) فرزندان ایشان از حسن مثنی به نام‌های «عبدالله محض»، «ابراهیم»، «حسن مثلث»، «زینب» و «ام کلثوم» می‌باشند. (محللاتی، ذبیح الله، ۱۳۹۶، ریاحین الشریعه، ج ۳ ص ۲۸۳) فاطمه و همسرش، حسن مثنی در واقعه عاشورا حضور داشتند. شیخ مفید، ۱۴۱۳، الارشاد، ج ۲، ص ۲۵) کاروان اسیران کربلا پس از حضور در کوفه و دربار ابن زیاد، به شام محل استقرار یزید منتقل شدند. وقتی بزرگان و سران اهل شام که یزید به مناسبت پیروزی خود، دعوت کرده بود، حاضر شدند، اسراء و سرهای شهدای کربلا را نیز به مجلس آوردند. این بانوی بزرگوار در کوفه خطبه خواند: «سپاس خدای را به شماره ریگ‌ها و سنگ‌ها ... شریکی برای او نیست و محمد(ص) بنده و فرستاده خداست و گواهی می‌دهم که فرزندان او را در کنار فرات سر بریدند، بی آنکه خونی از آنان طلب کار باشند ... دیروز جماعتی که به زبان مسلمان و در دل کافر بودند؛ فرزند پیغمبرت را در سرزمین کربلا کشتند. ای اهل کوفه ای اهل مکر و خدعه خداوند ما را به شما مبتلا ساخت و شما را به وسیله ما امتحان و آزمایش نمود، خداوند شما را به کیفر کارهای خود معذب خواهد نمود. کشتار ما را حلال دانستید و اموال ما را غارت کردید گویا ما کفار ترک و کابل بودیم. دیروز بود که جد ما را کشتید. از تیغ شما خون خاندان ما می‌بارد. بر کینه دیرینه دیده خود را روشن ساختید و دلشادید از گستاخی برخدا، درانتظار عذاب باشید که هم اکنون بر شما درآمده است و پیاپی نعمت‌های آسمانی بر شما آید و شما را به جان هم اندازد، دل‌های شما را قساوت گرفته و جگر تان آهنین شده و دلتان کور گشته و شیطان شمارا جادو کرده و چشم شما را بسته است درحالی که راه به جایی نمی‌برید. با برادر رسول خدا(ص) پیمان شکنی کردید و با فرزندانش که عترت پیامبر(ص) و پاکان و نیکان بودند چه کردید؟» گفته شده است فاطمه دختر امام حسین(ع) در حدود سال ۱۱۷ هجری و در مدینه درگذشت. (ابن جوزی، ۱۴۱۸، تذکره الخواص، ص ۲۵۱) به نقل دیگر، در سال ۱۱۰ هجری در مصر وفات کرد و در باب احمر به خاک سپرده شد. (جوادی محدثی، ۱۳۷۴، فرهنگ عاشورا، نشر معروف)

۴- رقیه دختر امام حسین(ع)

مادر رقیه، امّ اسحاق است. مورخان تاریخ تولد رقیه را بین ۵۷ و ۵۸ هجری قمری می دانند. اسیران از خاندان حسین بن علی(ع)، در خرابه های شام نگه داری می شدند. در یکی از روزهای اسارت، دختری خردسال از حسین بن علی(ع) به نام رقیه، از عمه اش زینب(س) سؤال می کند که آیا ما خانه ای نداریم که به آنجا برویم؟ و زینب(س) در پاسخش می گوید: ما در این شهر غریب هستیم. (کشف الغمّه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۲۱۶) در نقلی دیگر که طبری در کامل بهایی ذکر می کند: «رقیه در خرابه های شام سراغ پدرش را می گرفت تا اینکه صدای ناله و زاری اسیران به گوش یزید رسید، یزید دستور داد سر حسین بن علی(ع) را در تشت قرار دهند و به محل اسیران ببرند. رقیه پس از دیدن سر پدرش، از دنیا رفت.» گفته نام او زبیده یا رقیه یا زینب یا سکینه و یا فاطمه بوده است. در دمشق بارگاهی به رقیه منسوب است این دومین زیارتگاه شیعیان در این شهر است. گفته می شود این زیارتگاه در مکانی به نام باب الفرادیس که رقیه دختر امام حسین از دنیا رفته است. شهید مطهری به دلیل قولهای ضد و نقیض درباره شهادت رقیه در شام را از تحریفات لفظی واقعه عاشورا دانسته است. (مطهری، ۱۳۹۵، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۵۸۶) و نیز در منتهی الآمال شیخ عباس قمی، که بخش مهمی از آن به وقایع کربلا اختصاص دارد، می گوید: «من در هیچ سند معتبری راجع به حضرت رقیه چیزی ندیدم، ولی چون شیخ صدوق آن را نقل کرده است از قول وی آن را نقل می کنم.» لازم به ذکر است که نام حضرت رقیه به این اسم، در هیچ یک از کتب مقتل قدیمی و معتبر تاریخی که از زمان شهادت امام حسین(ع) تا قرن ششم هجری نوشته شده است؛ اعم از ارشاد، اعلام الوری، کشف الغمّه و دلائل الامامه ذکر نشده است و برای نخستین بار شیخ عباس قمی، شرح می دهد در آن برهه زمانی به دلیل اینکه از یک سو امکان نگارش بسیار کم و محدود بوده است، تعداد فرزندان امامان زیاد بوده، سانسور و اختناق حکومت بنی امیه که سیره نویسان را تحت کنترل خود قرار داده بودند و از همه مهم تر عدم اهتمام مورخان آن عصر در راستای ضبط و ثبت همه ی جزئیات تاریخ زندگانی امامان موجب شده که بسیاری از ماجراهای زندگانی آنان پشت پرده پنهان بماند، بنا براین ذکر نکردن نام برخی افراد یا عدم تشریح برخی وقایع دلیل بر نبود آن افراد یا رخ ندادن آن وقایع نیست. در بحارالانوار آورده شده است که حضرت زینب(س) در کوفه، مقابل سر امام حسین(ع) که بر روی نیزه قرار داشته این اشعار را خواند: «برادر جان! چقدر برای این دختر کوچک فاطمه سخت است که پدرش را صدا بزند، ولی او جوابش را ندهد».

۵- سکینه دختر امام حسین(ع)

سکینه دختر امام حسین(ع) از رباب دختر امرؤ القیس بود. (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵ق، مقاتل الطالبیین، ج ۴، ص ۱۹۲) نام او را آمنه، امینه و امیمه ذکر کرده اند و گفته اند به سبب سکون، آرامش و وقاری که داشت، مادرش او را سکینه لقب داده بود. سکینه در زمان حرکت امام حسین(ع) به کربلا، بالغ و در سن ازدواج بوده، زیرا زمانی که حسن مثنی یکی از دختران امام حسین(ع) را خواستگاری کرد، امام او را در انتخاب بین سکینه و فاطمه مخیر کرد. (اصفهانی، ۱۳۶۸، الاغانی، ج ۲۱، ص ۷۹) از سهل بن سعد ساعدی صحابه پیامبر اسلام(ص) روایت شده که روز ورود اسرا به شام در دروازه ساعات دختری را دیدم که بر شتری بی محمل سوار بود، او خود را سکینه دختر امام حسین(ع) معرفی کرد و از من خواست برای حفظ حرمت خاندان رسول خدا(ص) کاری کنم که نیزه داران سرهای شهدای کربلا را از اطراف

اسیران دور کنند. سهل می گوید: من با پرداخت مقداری دینار توانستم خواسته او را برآورده کنم. (خوارزمی، ۱۴۲۳، مقتل الحسین (ع)، ص ۶۰-۶۱) سکینه در منزل امام سجاد (ع) بود و در آنجا مجلس عزای به پا کرد و نهضت مقاومت را ادامه داد. چگونگی وفات و محل دفن سکینه نیز مورد اختلاف مورخان بوده است. برخی از منابع تاریخی وفات سکینه را ۵ ربیع الاول سال ۱۱۷ قمری در مدینه نقل کرده اند. (ابن عساکر، ۱۴۲۱ق تاریخ مدینه دمشق، ج ۶۹، ص ۲۱۸)

۶- رباب همسر امام حسین (ع)

رباب دختر امرؤالقیس بن عدی، است. پدرش امرؤالقیس جزء بزرگترین شعرای جاهلی است از اعراب شام و نصرانی بود و در خلافت عمر بن خطاب مسلمان شد. (محسن امین املی، ۱۴۲۱، اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۴۴۹) رباب از جان و دل به امام حسین (ع) عشق می وزید. در سفر پرمخاطره عاشورا یار و یاور امام بود. او زنی وفا پیشه بود و در حادثه کربلا حضور داشت. وی مادر سکینه و عبدالله است. رباب پس از شهادت امام حسین (ع) یک سال بیشتر زنده نماند و همواره اندوهگین و رنگ پریده بود و به زیر سقف نرفت، تا آن که از غم فراق او از دنیا رفت.

۷- ام اسحاق همسر امام حسین (ع)

ام اسحاق یا ام الحق، فرزند طلحه بن عبیدالله است (محمدتقی بن محمدعلی سپهر، ۱۳۸۶ش، ناسخ التواریخ امام حسین (ع)، ج ۲، ص ۲۳۵). وی به عنوان راوی حدیث از پدرش امام حسین (ع)، فاطمه زهرا (س)، ابن عباس، بلال مؤذن پیامبر اکرم (ص) حدیث نقل کرده است. ام اسحاق همسر امام حسن (ع) بود و این بزرگوار، بنا به سفارش امام حسن (ع) به امام حسین (ع) فرمود: «برادر! من از این زن راضی هستم، نگذارید که او از خانه هایتان خارج شود، امام حسین (ع) با ام اسحاق ازدواج کرد و خداوند متعال، فاطمه و عبدالله را به ایشان عنایت کرد.» (الارشاد، ج ۲، ص ۲۰) می نویسد: «ام اسحاق از زیباترین زنان قریش و بدخلق ترین آنها بود.» عبدالله بن رضیع فرزند امام حسین (ع) از ام اسحاق است که گفته شده روز عاشورا یا یک روز قبل از عاشورا متولد شده و توسط دشمنان کشته شده است.

۸- فاطمه همسر امام سجاد (ع)

یکی از همسران حضرت سجاد (ع) حضرت فاطمه (ام عبدالله) دختر حضرت امام حسن (ع)، مادر امام محمدباقر (ع) بود، (مجلسی، بی تا، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۵) و ثمره این وصلت، چهار فرزند بوده است. حضرت ابوجعفر محمدباقر (ع) حسن، حسین و عبدالله باهراست. ایشان در واقعه کربلا حضور داشته و اسیر شدند.

۹- رمله همسر امام حسن مجتبی (ع)

رملة؛ ام ولد ملقب به ام ابی بکر است و را نجمه و نفیله نیز نامیده اند. طبری، ۱۹۶۷م تاریخ الطبری، ج ۴، ۳۵۹، وی مادر قاسم و عبدالله، فرزندان امام حسن (ع) بود که در کربلا حاضر شد و شاهد جانبازی و شهادت فرزندانش بود. رمله در روز عاشورا مقابل خیمه ایستاده و نظاره گر مبارزه ی فرزندش حضرت قاسم (ع) با دشمن بود. (سماوی، ۱۴۲۹، ابصار العین فی انصارالحسین (ع)، ص ۲۲۴)

۱۰- عاتکه یا حمیده دختر مسلم بن عقیل

عاتکه فرزند مسلم و مادرش؛ رقیه بنت علی (س) می‌باشد. وی از جمله کسانی است که در کربلا حضور داشت و امام حسین (ع) روز عاشورا هنگام وداع او را صدا زد. (اسفراینی، نورالعین فی مشهد الحسین (ع)، ص ۳۳) در بین راه مکه به کربلا زمانی که خبر شهادت مسلم به کاروان حسینی رسید امام حسین (ع) او را مورد تفقد و دلجویی قرار داد.

ج- زنان غیر هاشمی حاضر در کربلا

۱- هانیه یا «ام وهب بنت عبد» همسر عبدالله بن حباب الکلبی

او یکی از زنان مجاهدیست که در روز عاشورا در راه مقاومت نهضت حسینی به شهادت رسید. ام وهب؛ نام اصلی او قمر دختر عبد و از قبیله نمر بن قاسط بود. (طبری، ۱۳۶۳، تاریخ الامم و الملوک، ج ۵، ص ۴۲۹) روزی عبدالله بن عمیر متوجه گروهی از کوفیان شد که به سوی اردوگاه نخلیه در حرکت‌اند. پیش رفت و از آنها پرسید که قصد چه کاری را دارید؟ به او گفتند: «که جهت جنگ با حسین (ع) فرزند فاطمه (س) دختر رسول خدا (ص) آماده می‌شویم». عبدالله با شنیدن این سخن، عزم خود را برای پیوستن به سپاه امام حسین (ع) جزم کرد. در صبح عاشورا و پس از هم‌آورد طلبیدن یسار - غلام زیاد بن ابیه - و سالم - غلام عیدالله بن زیاد - عبدالله بن عمیر با کسب اجازه از امام (ع) وارد میدان شد و با مهارت رزمی‌اش توانست هر دوی آنان را به هلاکت برساند. نام وی در زیارت رجبیه آمده است. (محمد تقی شوشتری، ۱۴۲۲ق، قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۴۴۸) پس از شهادت عبدالله، ام وهب بر بالین او حاضر شد و در کنار جسم بی‌جان‌ش نشست. او خاک از رخسار عبدالله پاک کرد و گفت: «بهشت بر تو گوارا باد! از خداوندی که بهشت را روزی تو گردانید می‌خواهم که مرا نیز هم‌نشین تو قرار دهد». در این هنگام شمر بن ذی‌الجوشن به غلام خود - رستم - دستور داد تا با عمود بر فرق آن زن بکوبد، رستم نیز چنین کرد و عمود خود را بر سر آن زن فرود آورد. در اثر این ضربه ام وهب به آرزوی خود رسید و در کنار همسر شهیدش جان داد. (الارشاد، ج ۱، ص ۱۰۱)

۲- همسر عبدالله بن وهب

این تازه عروس در روز عاشورا وقتی همسرش به میدان رفت، هانیه هم عمودی آهنین برداشت تا در کنار وهب بجنگد. وهب با دیدن او در میدان جنگ از او خواست تا نزد زنان سپاه برگردد. هانیه وقتی صورت خونین شوهرش را کنار زد و پیشانی مردانه‌اش را بوسید، تازه دامادش را تحسین کرد و خطاب به او گفت: «پدر و مادرم فدایت باد که از پاکان و ذریه پیامبر (ص) دفاع کردی. بهشت گوارای وجودت! از خدا بخواه مرا نیز با تو هم‌سفر کند». در این بین عمر سعد، سردار سپاه دشمن که از رجز و حرف‌های هانیه به هراس افتاده بود و نگران تأثیرگذاری این صحنه و حرف‌های همسر وهب بر لشکریانش شده بود، به شمر دستور داد تا این دختر ۱۸ ساله را به شهادت برساند. وقتی که عمو آهنین بر سر ام وهب نشست، لحظه‌ای بعد هانیه در کنار پیکر همسرش به شهادت رسید.

۳-ام خلف

در منابع آمده: «ام خلف همسر مسلم بن عوسجه بود.» او پس از ورود اباعبدالله الحسین (ع) به سرزمین کربلا به همراه شوهر و فرزندش - خلف - به این سرزمین آمد. در روز عاشورا ام‌خلف پس از شهادت مسلم بن عوسجه، لباس رزم بر قامت فرزند خود پوشید و او را برای رفتن به میدان نبرد و دفاع از فرزند رسول خدا (ص) تشویق کرد. خلف نزد امام حسین (ع) آمد و از ایشان اذن میدان طلبید، اما امام (ع) اجازه ندادند و فرمودند: «اگر تو هم کشته شوی مادرت در پناه چه کسی آرام گیرد و چه کسی او را به خانه برگرداند.» پس خلف نزد مادر بازگشت. ام‌خلف با دیدن پسر، پیش او رفت و بار دیگر او را به نبرد در رکاب امام حسین (ع) تشویق کرد. سرانجام خلف به میدان رزم رفت و پس از نبرد جانانه به شهادت رسید. کوفیان سرش را به سوی مادرش افکندند. ام‌خلف سر فرزندش را برداشت و چنان گریست که همگی به گریه افتادند» (محللاتی، ذبیح الله ۱۳۹۶، ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۳۰۵)

۴- کنیز مسلم بن عوسجه

از جمله زنانی که در میدان کربلا حضور یافت، کنیز مسلم بن عوسجه است. او پس از شهادت مسلم بن عوسجه، صدا به گریه و زاری بلند کرده بود و فریاد می‌زد: «یا سیداه و یا ابن عوسجه» (تاریخ الامم و الملوک، ج ۵، ص ۴۳۶)

۵- مادر قارب بن عبدالله دوئلی

از او که در برخی منابع با نام «فکهی» یاد شده است، از کنیزان اباعبدالله الحسین (ع) بود. او به همراه پسرش قارب، از مدینه تا کربلا کاروان امام حسین (ع) را همراهی کرد و شاهد شهادت پسرش در روز عاشورا بود.

۶-ام الثغر

در منابع نام او خوصاء بن عمرو بن عامر کلابی گردیده است. (مقتل الحسین (ع)، ص ۲۵۳) او نیز از دیگر زنانی است که نام او در فهرست زنان حاضر در کربلا به ثبت رسیده است.

۷-فضه کنیز حضرت زینب (س)

فضه فرزند پادشاه هند بود که پس از اسارت به دست مسلمانان، توسط پیغمبر (ص) به خدمت فاطمه (س) در آمد. وی دارای فضائل و ارزشهای والایی است، در شماری از منابع فضه نوبیه ثبت شده است. فضه زمانی که لشکر یزدیان بر اجساد مطهر اسب می‌تاختند مانع از تاختن اسبان شد. قبر او در شام است.

۸- کبشه کنیز امام حسین (ع)

کنیه اش ام سلیمان است. کنیز امام حسین (ع) که آن حضرت وی را هزار درهم خرید و در خانه ام اسحق همسر امام، خدمت می‌کرد. سپس با ابو رزین ازدواج کرد و سلیمان از او به دنیا آمد. سلیمان غلام امام حسین (ع) بود.

۹- فکھیه

زوجه عبد الله بن اریقظ بود. وی در خانه رباب، همسر امام حسین (ع) خدمت می کرد. از عبد الله فرزند پسری آورد به نام قارب که در کربلا به شهادت رسید. فکھیه نیز همراه رباب در زمین کربلا به سلک اسیران به شام رفت (ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۳۱۷)

۱۰- حسنیه

یکی از آزاد شده های حضرت سید الشهداء (ع) است، حسنیه به امام زین العابدین (ع) خدمت می کرد تا اینکه به همراه سید الشهداء (ع) و فرزندش منجج به کربلا آمد. منجج در کربلا به شهادت رسید.

۱۱- رویحه، همسر هانی بن عروه مرادی

با شهادت مسلم بن عقیل و همسرش هانی بن عروه به اتفاق فرزندش یحیی در کوفه مخفی شد. با اطلاع از ورود امام حسین (ع) به کربلا، نزد حضرت شتافتند و یحیی در رکاب امام حسین (ع) به شهادت رسید.

د- زنان حمایت کننده از نهضت عاشورا که در واقعه کربلا حضور نداشتند

۱- زینب صغری، معروف به ام لقمان، دختر عقیل بن ابی طالب.

ام لقمان دختر عقیل بن ابی طالب است، این زن در مدینه بود، چون خبر شهادت سید الشهداء را شنید با خواهرانش ام هانی، سماء و رمله و زینب از خانه بیرون دوید و زار زار بگریست و اشعار زیادی سرود و دشمنان را به خاطر ارتکاب چنین اعمالی سرزنش کرد. اربلی می گوید: «بعد از رسیدن خبر شهادت کاروان امام حسین (ع)، ام لقمان دختر عقیل بن ابی طالب (س) از خانه بیرون آمد سر و پای برهنه با خواهران خود هانی و اسماور بر مظلومیت امام حسین (ع) می گریستند.» (الاربلی، بی تا، کشف الغمّة فی معرفة الانمّة، ص ۲۵۴)

۲- ام سلمه، هند دختر ابو امیه، همسر پیامبر (ص)

ام سلمه یکی از همسران پیامبر (ص) بود. ابن اثیر در کتاب الکامل فی التاریخ آورده است که پیامبر (ص) مشتی خاک تربت سید الشهداء (ع) را به ام سلمه داد و فرمود: «هرگاه این خاک تبدیل به خون شود، فرزندم حسین (ع) به شهادت رسیده است». به همین دلیل ام سلمه سعی نمود امام حسین (ع) را از رفتن به عراق باز دارد. در روز عاشورا وقتی امام حسین (ع) به شهادت رسید، این خاک تبدیل به خون گردید. روز دهم محرم و بعد هم که جریان دقیق واقعه را از اهل بیت (ع) که حاضر در کربلا بودند پرسید آن روز را با واقعه شهادت امام حسین (ع) مطابق یافت (ارشاد، ص ۲۵۰) ام سلمه نزدیک ۳۸۷ حدیث از پیامبر (ص) و فاطمه (س) و ابو سلمه نقل کرده است.

۳- ام البنین، فاطمه الکلابیه، همسر امام علی (ع)

در هنگام واقعه کربلا که ابتدای سال ۶۱ قق اتفاق افتاد در حدود شصت سال داشته است.. زمانی که خبر فاجعه کربلا توسط بشیر به مدینه رسید ام البنین سؤال کرد: از امام حسین چه خبر؟ بشیر پاسخ داد که خدا تو را صبر دهد، فرزندان عباس کشته شد. ام البنین فرمود: معنای این خبر چیست، از امام حسین (ع) برایم بگو. بشیر خبر شهادت چهار فرزند ام البنین را داد. آن بانوی با ایمان باز هم سراغ حسین (ع) را می گرفت، بالاخره هنگامی که خبر شهادت امام حسین (ع) را شنید ناله ای زد و فرمود: تمام فرزندانم فدای ابا عبدالله الحسین (ع). ام البنین (س) در سال ۷۰ هجری از دنیا رفت و در قبرستان بقیع شهر مدینه به خاک سپرده شد.

۴- جمعی از زنان بنی اسد

بنی اسد نام تیره ای از قبیله بزرگ و سلحشور و مشهور عرب از فرزندان اسد بن خزیمه بن مدرکه می باشد. پس از شهادت سید الشهداء و یاران گرانقدرش، زنان بنی اسد گذرشان به میدان جنگ افتاد (دسته بی طرف). اجساد امام و یارانش را در زیر آفتاب تابان مشاهده مردان خود را جهت دفن اجساد شهدا خبر کردند. اما مردان قبیله از ترس ابن زیاد حاضر نشدند در به خاک سپاری اجساد شرکت کنند، لذا زنان بنی اسد خود بیل و کلنگ برداشتند و به سمت کربلا حرکت نمودند. پس از مدت کوتاهی، وجدان مردان قبیله بیدار گشت، به خود آمده دنبال زنان حرکت نمودند و به دفن پیکر مطهر شهدا پرداختند.

۵- دومه، مادر مختار ثقفی و عمره معروف به بیضاء همسر مختار

از مشوقین مختار به قیام بر علیه بنی امیه و خونخواهی امام حسین (ع) مادر او بود، و در کنار مختار ماندند.

۶- دلهم بنت عمرو همسر زهیر بن غین بجلی

دکتر محمد حسین رجیبی دوانی می گوید: «از زنان دیگری که جزء خاندان حضرت امام حسین (ع) نبودند ولی از خود عظمتدر نهضت مقاومت حسینی به یادگار گذاشتند، همسر زهیر ابن قین بجلی است که عامل اصلی انقلاب احوال و نجات زهیر از اعماق جهنم و رساندن او به عالی ترین درجات بهشت می شود.»

۷- زنان کوفه

در الملهوف آمده است: مردم صدا به گریه و ناله و زاری بلند کردند و زنان، موهای خود را پریشان نمودند و خاک بر سرشان ریختند و ناخن به چهره کشیدند و گونه های خود را خراشیدند و ناله و فریاد کردند. مردان نیز گریستند و ریش خود را کتندند و هیچ روزی مرد و زن گریانی بیشتر از آن روز دیده نشد. زنان اهل مدینه هنگامی که اسیران اهل بیت پیامبر (ص) به دروازه شهر مدینه رسیدند، زنان و مردان مدینه با حزن و گریه شدید به استقبال آنها رفتند و به آنها تسلیت گفتند.

نتیجه گیری

نقش زنان در ترویج و اشاعه پیام عاشورا بسیار اساسی بود. به جرئت می توان گفت که زنان در نهضت عاشورا در انتقال پیام امام حسین (ع) و پایمال نشدن خون شهیدان کربلا داشتند. این نقش از طریق مشارکت در جهاد و مبارزه مستقیم همچون جنگ همسر وهب (عبدالله)، چه از طریق عمل و گفتار و رفتار که می توان نمونه بارز آن را در حضرت زینب (س) و حضرت ام کلثوم (س) دید. زنان در جاهایی که اشک مؤثرتر بود اشک ریختند و عزاداری کردند، مانند ام البنین (س) و زمانی نیز با سخنان کوبنده خود در مقابل ستم زمانه سر خم نکردند، مانند خطبه های حضرت زینب (س) در شام و کوفه خطبه حضرت ام کلثوم، خطبه فاطمه بنت امام حسین (ع) ماهیت حکومت اموی را افشا نمودند. و گاه با حمایت از اهل بیت حتی در مقابل جهل و نادانی همسر و فرزندان خود ایستادند، مانند همسر خولی و نارضایتی خود را از شرکت همسر و فرزندانشان را در صف بنی امیه برای قتال با پسر رسول خدا (ص) اعلام کردند. گاه که با عزم راسخ خود بی طرفی همسرانشان را را سرزنش کردند، مانند زنان بنی اسد. بعضی از این زنان با پناه دادن به سفیران و پیام رسانان امام حسین (ع) مانند مسلم بن عقیل توسط طوعه در دوره سخت اختناق و ظلم بنی امیه به خصوص جنایتکار خونریز آنان این مبارزه نمودند با تربیت فرزندان شایسته سنت نبوی را احیاء نمودند. در آخر هم با قیام و نهضت مقاومت بر علیه ظلم ظالمان شوریدند و دست به شمشیر بردند. در واقع زنان چه در زمان عاشورا و چه پس از آن با عزمی پولادین به دفاع از دین و امام خویش پرداخته اند و به همگان آموزش صبر و مقاومت و جهاد و اطاعت از امام زمان خویش را دادند.

منابع

۱. قرآن مجید
۲. ابن اثیر، عزالدین، بی تا، الکامل، ترجمه عباس خلیلی - ابوالقاسم حالت، تهران، علمی
۳. ابن بابویه، محمد ابن علی، ۱۳۷۶ ش، امالی، بی تا.
۴. ابن جوزی، ۱۴۱۸ ق، تذکره الخواصج ۱، بی تا.
۵. ابن صوفی، ۱۴۲۲ ق، المجدی فی انساب الطالبین، بی تا.
۶. ابن قته دینوری، بی تا، الامامه و السیاسه، دارالمعارف، بی تا.
۷. ابن قولویه قمی، کامل الزیارات، نشرالفقاهه، ۳۶۷ ق.
۸. ابو الفرج الاصفهانی، مقاتل الطالبین؛ شرح و تحقیق السید احمد صقر، موسسه الاعلمی المطبوعات.
۹. ابو الفرج اصفهانی، علی بن حسین، ۱۳۶۸ ق، الاغانی، ج ۲۱.
۱۰. ابو مخنف، بی تا، اولین تاریخ کربلا، ترجمه مقتل الحسین، تحقیق از شیخ محمد هادی یوسفی غروی، ترجمه علی کرمی، موسسه مطبوعاتی دارالکتاب (جزایری).
۱۱. احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ۱۳۵۸ ق.
۱۲. الاربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه فی معرفه الائمه، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، بی تا.
۱۳. بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۴۱۷، انساب الاشراف، دارالفکر العربیه

۱۴. بنت شاطی، زینب، ۱۳۸۲، زینب بانوی قهرمان کربلا، مترجم حبیب چایچیان، مهدی آیت الله زاده نایینی، انتشارات امیرکبیر
۱۵. حلو، عقيله قریش آمنه بنت الحسين الملقبه بسکینه، ۱۳۸۲ش، ص ۱۴۵.
۱۶. جواد علی، ۱۹۶۸، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، مکتبه النهضه بغداد، دارالملايين بیروت
۱۷. جواد محدثی، ۱۳۷۴، فرهنگ عاشورا، نشر معروف
۱۸. خامنه ای، سید علی، انسان ۲۵۰ ساله، ایمان جهادی، ۱۳۹۸
۱۹. خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسين (ع)، تحقیق و تعلیق محمد السماوی، قم، مکتبه المفید، بی تا.
۲۰. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، لغت نامه، چاپ اول، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
۲۱. رسولی محلاتی، ۱۳۷۸، نگاه کوتاه به زندگی زینب کبری
۲۲. زبیر بن بکار، ۱۴۱۶ق، الاخبار الموقیات
۲۳. سیدابن طاووس، ۱۳۷۸، اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه عقیقی بخشایشی، قم، دفتر نشر نوید اسلام
۲۴. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۷ق، تاریخ الرسل و الملوک، انتشارات اساطیر
۲۵. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۵۸ق، تاریخ الطبری، ۱۹۶۷م، ج ۵،
۲۶. طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ق، الإحتجاج، دار النعمان.
۲۷. عباس قمی؛ نفس المهموم، در کربلا چه گذشت، ترجمه محمد باقر کوه مره ای، چاپ اسوه؛ ناشر مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵.
۲۸. محدثی، جواد، فرهنگ عاشورا، نشر معروف.
۲۹. محسن امین املی، ۱۴۲۱، اعیان الشیعۀ، ج ۶
۳۰. محلاتی، سید هاشم، ۱۳۷۶، نگاهی کوتاه به زندگی حضرت زینب
۳۱. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۳.
۳۲. مفید، الارشاد، ۱۴۱۳ق، مترجم محمد باقر ساعدی خراسانی، انتشارات الاسلامیه.
۳۳. محمد تقی بن محمد علی سپهر، ۱۳۸۶ش، ناسخ التواریخ امام حسین (ع)، ج ۲
۳۴. موسوی مقرر، عبدالرزاق، مقتل الحسين (ع)، ص ۲۵۳، بیروت، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۹۷۹
۳۵. نصراللهی، نرجس، ۱۳۹۹، «نقش ادبیات قرآن در اصلاح روابط زن و مرد در جامعه»، فصلنامه علمی پژوهشی قرآن و طب؛ دوره ۵- شماره ۱-۵
۳۶. یعقوبی، ۱۳۵۸ق، تاریخ یعقوبی، نشر اطلاعات